

## بررسی تطبیقی جلوه های نوین اصل فردی کردن در حقوق ایران و فرانسه

### بهارک شاهد ۱ و سیده منصوره هاشمی معینی ۲

۱دکتر حقوق گرایش جزا و جرم شناسی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ارومیه baharak.shahed@gmail.com  
 ۲- دانشجوی دکتر حقوق گرایش جزا و جرم شناسی- دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تبریز Mansoreh.hashemi65@gmail.com

#### چکیده

اصل فردی کردن مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها، که استثنایی سهل و ممتنع بر اصل قانونی بودن مجازات‌ها وارد نموده است به معنی اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگیهای جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده است و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصف ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید تخفیف یا تعلیق و... مجازات شود. در ایران نیز قانونگذار برای اولین بار ضمن قانون مجازات اسلامی ۲۹۳۱ و با الهام از قانون مجازات فرانسه، این اصل را وارد نظام کیفری کرد. هر چند قانون گذاران دو نظام در پیش بینی این نهاد اهداف مشترکی مانند کیفرزدایی، اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن مجرمان از رهگذر عدم برچسب زنی مجرمانه را دنبال می کنند، ولی شرایط و ترتیباتی که در زمان تشکیل پرونده شخصیت، صدور و اجرای آن پیش بینی شده متفاوت با یکدیگر است. افزون بر این، در نظام کیفری ایران با وجود الگو برداری از قانون مجازات فرانسه، برخی از موضوعات مرتبط با این اصل پیش بینی نشده است. این مقاله با بررسی تطبیقی جلوه های نوین اصل فردی کردن در حقوق ایران و فرانسه تلاش دارد با رویکرد تطبیقی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مهمترین تفاوتها و اشتراکهای این دو نظام را بیان کرده، از نکات مبهم قانون مجازات اسلامی ابهام زدایی نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** اصل فردی کردن مجازات، پرونده شخصیت، تعلیق مجازات، مجازات جایگزین حبس

## مقدمه

یکی از مهمترین امور حقوق کیفری، تعیین مجازات است که دو اصل حاکم بر چگونگی تعیین مجازات، اصل تناسب مجازات با جرم و اصل تناسب مجازات با مجرم می باشد. اصل اول، از مفاهیم استحقاق و سزادهی می باشد که اقتضا می نماید هر کس متناسب با شدت جرمی که مرتکب می شود مجازات گردد که بیان گر اصل فردی کردن مجازات هاست. اصل فردی کردن به عنوان اصلی ثانوی و خاص و به تعبیری استثنایی در جهت ترسیم مدل نظام دادرسی کیفری در حقوق، هر چند به عنوان « ثانوی»، تا کنون فقط درباره مجازات ها در کنار اصل تساوی در مجازات ها به کار رفته است. ولی در عمل، در مورد سیاست های افتراقی ادله ما شاهدیم که در نظام فرانسه نیز هر چند عنوان سیاست های افتراقی به کار نرفته است، ولی در عمل، نوعی سیاست افتراقی ملاحظه می شود. در حقوق کیفری ایران از به کار بستن اصل فردی کردن مجازاتها به دنبال رسیدن به اهداف اجتماعی و فردی از جمله بازپروری و برقراری عدالت در جامعه می باشد و در این راه از ابزارهای مهمی در زمینه فردی کردن مجازاتها بهره می برد از جمله در نظر گرفتن شرایط و وضعیت فرد مجرم و همچنین توجه قاضی به پرونده شخصیت فرد می باشد، زیرا در تشخیص چگونگی برخورد با مجرم بسیار با اهمیت می باشد. برای عملی کردن فردی کردن مجازاتها در حقوق کیفری ایران از شیوه های قضایی و جنایی استفاده شده است و اصل فردی کردن مجازاتها به عنوان عاملی در زمینه پیشگیری از جرم قلمداد شده است. آقای ژان پرادل قاضی سابق دادگستری فرانسه و استاد و مدیر موسسه علوم جنایی پواتیه در این زمینه معتقد است که کیفرهای کوتاه مدت حبس، توده وسیعی از مجازات ها را در حقوق فرانسه تشکیل می دهند و با توجه به اینکه بر این کیفرها از جهت « جرم زا بودن» اشکال وارد شده است بنابراین لازم شد که اقدامات دیگری به جای آنها پیش بینی شوند. بدین ترتیب قانونگذار فرانسوی برای به حداقل رساندن معایت زندان های کوتاه مدت، تدابیر مختلفی را پیش بینی کرد. از جمله اینکه گاه میزان آنها را در قانون کاهش داد و یا از روش معافیت از مجازات استفاده کرد. راه حل دیگری که قانون گذار فرانسه پیش بینی کرده تکلیف قضات به مستند و مستدل نمودن احکام کیفرهای کوتاه مدت حبس، است و در نهایت تدبیر دیگر قانون گذار فرانسه، «جایگزین های مجازات حبس»، بوده است. در قانون ۲۳۹۹ این جایگزین ها به عنوان کیفرهای جایگزین حبس قلمداد شدند، نظیر متوقف کردن خودرو، انجام خدمات عمومی و جریمه های روزانه، به نظر آثای پرادل اگرچه این جایگزین ها کیفر است اما بعضا می توان آنها را اقدام تامینی نیز تلقی کرد. زیرا زمینه جامعه پذیری مجدد بزهکار را فراهم می سازد و با سقوط مجدد او در بزهکاری مبارزه می کنند. در این مقاله به بررسی تطبیقی جلوه های نوین اصل فردی کردن در حقوق ایران و فرانسه پرداختیم. سوال مطرح شده این است که، چه اقداماتی در جهت فردی کردن مجازاتها در حقوق ایران و فرانسه شکل گرفته است؟ به نظر می رسد اقداماتی در جهت فردی کردن مجازاتها در قالب تشکیل پرونده شخصیت، مجازاتهای جایگزین حبس و تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران و فرانسه شکل گرفته است.

**(۱) اصل فردی کردن مجازات در پرونده شخصیت**

تحقیقات مقدماتی به مثابه مرحله ای از رسیدگی های کیفری، اهمیت بسیاری در شکل گیری و تهیه پرونده کیفری و تضمین اصل برائت دارد. تحقیقات مقدماتی مجموعه است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی به موجب قانون برای حفظ آثار و علائم جرم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی متهم و جلوگیری از فرار وی و اظهار نظر نهایی در مورد اتهامش انجام می شود. تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی از این جهت حائز اهمیت است که قاضی تحقیق با ملاحظه مؤلفه های درونی، خانوادگی، اجتماعی مرتکب، پی به انگیزه ها و علل موثر در وقوع جرم می برد و متناسب با شخصیت مجرم بهترین رای را صادر می نماید و قاضی در قالب اختیارات قضایی با ملاحظه پرونده مذکور می تواند مجازات را فردی نماید. پرونده شخصیت می تواند در تمام مراحل دادرسی به ویژه در تحقیقات مقدماتی موثر باشد. اطلاع از حقایق مربوط موجب می شود که از همان ابتدا قاضی، در بازجویی، روش های مناسب فردی را به کارگیرد و واکنش مناسب با شخصیت بزهکار اعمال نماید. با عنایت به اهمیت تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی در راستای توجه به اهداف جرم شناسی، تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۲۹۳۱، به پیش بینی تشکیل پرونده در تحقیقات مقدماتی پرداخته اند. ماده ۱۰۹ قانون مذکور مقرر می دارد: « در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در

جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد، حاوی گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی خانوادگی و اجتماعی متهم و گزارش پزشکی و روان پزشکی می باشد». قضات با بررسی وضعیت مادی، اجتماعی و خانوادگی متهم و محتویات گزارش پزشکی و روان پزشکی که توسط متخصصین درباره متهم تهیه می شود، استحقاق و میزان استحقاق متهم از کیفیت مخففه را مشخص می نماید (سبزه علی، اشرافی، حیدری، ۲۹۳۱، ۱۷-۱۷).

در حقوق کیفری فرانسه از دیرباز به پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی توجه داشته است. از اواخر قرن نوزدهم که توجه همگان به سوی شخصیت مجرم معطوف شد. شناخت شخصیت وی با هدف تشخیص واکنش مناسب و همچنین بازپروری بزهکاران، استفاده از نهادهایی همچون تعلیق ساده، تعلیق مراقبتی و درکنار تحقیقات مقدماتی در فرانسه نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار گشت. در فرانسه تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی در جنایات الزامی است. هدف از پرونده شخصیت در این مرحله آن است که بازپرس بهترین قرار را صادر کند و قاضی در قالب قضایی مجازات را فردی کند و زمینه انتخاب واکنش مناسب را در محکمه به منظور تحقق اهداف فردی کردن مجازات ها فراهم سازد. در حقوق فرانسه، بازپرس دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر می کند. به موجب ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه آن، بازپرس مکلف است در جرایم جنایی، علاوه بر پرونده قضایی، به منظور تحقیق در وضعیت مالی و خانوادگی و اجتماعی متهم دستور معاینه پزشکی، روانی یا هرگونه آزمایشهای مفید دیگر را صادر کند. این امر از طریق توسل به « کمیته بازپروری و پروبایسیون اداره زندانها» یا نهاد حمایت قضایی از جوانان یا تمامی کانونهایی که صلاحیت اجرای بند فوق را دارند محقق می شود. با توجه به اینکه تحقیقات مربوط به کشف حقیقت و نیز تحقیق بر روی شخصیت، فراوان و متنوع است به همین جهت بازپرس می تواند به پلیس قضایی نیابت دهد تا تحقیق مورد نیاز را در موارد پیش بینی شده و مطابق با مواد قانونی انجام دهد. پس از انجام تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده، چنانچه دلایل و مدارک موجود در پرونده دلالت بر مجرمیت متهم نماید، بازپرس با صدور قرار مجرمیت پرونده قضایی را به همراه پرونده شخصیت، حسب مورد به دادگاه جنحه یا جنایی ارسال می کند. البته مقام قضایی در جرایم جنحه ای مختار به این امر است. در حقوق کیفری فرانسه نوآوری دیگری نیز وجود دارد بدین ترتیب که بر اساس ماده ۲-۹۲ ق.آ.د.ک. بازپرس می تواند راسا یا بر اساس درخواست مدعی خصوصی بر طبق قانون، به هر عملی که به وی اجازه ارزیابی ماهیت و اهمیت خسارت بزه دیده یا کسب اطلاعات درباره شخصیت وی را می دهد، اقدام نماید. بدین سان، قانون گذار فرانسه، توجه به شخصیت متهم و مجرم را در کانون توجهات خود قرار داده است و پرونده بالینی متهم در این مرحله از محاکمه، موضوعیت یافته است و پس از احضار متهم به محاکمه، قضات دادگاهها در صورت مجرم شناختن متهم، با امعان نظر در گزارشهای موجود در پرونده شخصیت، تصمیم مقتضی را با اهداف اصلاحی و درمانی اتخاذ می کنند، به طوری که علاوه بردفاع از جامعه، بازپروری محکوم نیز حاصل شود (شاملو، گوزلی، ۲۹۳۰، ۳۹-۳۷).

## ۲) اصل فردی کردن مجازات در مرحله قضاوت

حسب سیاست فردی کردن مجازات ها، گاهی دادرسی در جهت صدور حکم با عللی مواجه می گردد که تخفیف مجازات بزه کار را می طلبد. همچنین در مواردی قاضی با تعویق صدور حکم در مدت معین و با لحاظ شرایطی بزه کار را از ارفاق قانونی بیشتری برخوردار می سازد و حتی او را از تحمل مجازات مقرر در پایان مدت معین، معاف می کند. در برخی موارد نیز ممکن است قاضی به دلایلی به رغم صدور حکم، مصلحت را در معلق ساختن اجرای مجازات تشخیص دهد.

## ۲-۱- مجازات های تکمیلی

در حقوق ایران مطابق قانون، مجازات تکمیلی کیفری می باشد که به مجازات اصلی افزوده می گردد و برای تکمیل مجازات اصلی اعمالی گردد. دادگاه میتواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه ۹ محکوم نموده و با رعایت شرایط مقرر در قانون مجازات، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی (شخص مجرم) به یک یا چند مجازات از مجازاتهای مذکور

در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم نماید. این مجازات علاوه بر مجازات اصلی مجرم و در تکمیل آن خواهد بود. (بقائی نظری، طلونی، ۲۹۳۳، ۹۱۰).

ماده ۱۹ علاوه بر احصا نمودن ۲۷ مورد مجازات های تکمیلی در تبصره ۲ نیز مدت مشخص تا ۱ سال را برای این نوع مجازات ها در نظر گرفته است که در قانون سابق این نوآوری ها به چشم نمی خورد؛ ماده ۱۹ قانون مقرر می دارد: دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید. اقامت اجباری در محل معین، های معین. منع از اقامت در محل یا محل، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری، منع از حمل سلاح، منع از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، الزام به خدمات عمومی، منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دسته های سیاسی یا اجتماعی، توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، الزام به تحصیل، انتشار حکم محکومیت قطعی.

همان طور که در متن ماده مشاهده می گردد، قانونگذار علاوه بر حذف عنوان تتمیمی و عنوان جرم عمدی و تسری آن به جرایم غیرعمدی، اعمال مجازات های تکمیلی را به حدود و قصاص نیز تسری داده است؛ در قانون سابق این اقدامات فقط در مورد جرایم تعزیری و بازدارنده اعمال می شد. بدین ترتیب به نظر می رسد با ذکر مصادیق بیشتر، اصل تناسب جرم و مجازات رعایت شده وسیعی در افزایش اختیارات قاضی را در اعمال یک یا چند مورد داشته است. ( شیخ الاسلامی، جلالی، ۲۹۳۷، ۲۷۲).

اما در قانون فرانسه مجازات های تکمیلی به مجازات هایی گفته می شود که قانون گذار برای هر جرم به صورت خاص پیش بینی نموده است و به جهت تکمیل مجازات اصلی در رأی دادگاه قید می شود، با توجه به تعریف هیچگاه به تنهایی در احکام دادگاه قید نمی شود، در قانون فرانسه مجازات تکمیلی دارای ویژگی های است:

۲) در کنار مجازات اصلی دادگاه قید می شود و مانند مجازات اصلی قابلیت اجرایی دارد؛ این ویژگی تفاوت مجازات تکمیلی و مجازات های جایگزین را در قانون فرانسه مشخص می کند.

۱) برای هر جرمی قانون گذار یک مجازات خاص تکمیلی اعلام می نماید، از این باب است که در فصول قانون مجازات فرانسه یک فصل به بیان مجازات های تکمیلی می پردازد.

۹) قلمرو این نوع مجازات های تکمیلی شامل تمام جرایم جنایی، جنحه ای، خلاف می باشد. در ماده ۲۰-۲۹۲ قانون مجازات فرانسه در بیان مجازات تکمیلی جنایات و جنحه چنین اعلام داشته است: در مواردی که قانون پیش بینی نموده است یک جنایت و یا جنحه می تواند با یک یا چند مجازات تکمیلی در مورد اشخاص حقیقی اعمال شود، این مجازات ها شامل ممنوعیت از یک حق و یا سلب آن، عدم صلاحیت برای استفاده از یک حق و یا الغای آن، الزام به معالجه یا الزام به انجام کار، توقیف و یا ضبط یک شیء، بستن یک موسسه یا اعلان عمومی یک حکم یا پخش آن در مطبوعات و در رسانه های سمعی و بصری همگانی می باشد.

در زمینه جرایم خلافی قانون گذار فرانسه مواد ۲۹-۲۹۲ و ۲۱-۲۹۲ را برای جرایم خلافی در جه ۷ و مجازات های مذکور در ۲۹-۲۹۲ را برای سایر جرایم خلافی به عنوان مجازات های تکمیلی معرفی نموده است؛ در قانون فرانسه مجازات های تکمیلی اجباری در جرایم جنایی و جنایت ها و جنحه ای تروریستی و جنحه های علیه منافع اساسی ملت فرانسه اعمال می گردد و در ماده ۹-۷۱۱ قانون جزای جدید فرانسه در موارد جرایم تروریستی در ۹ بند تشریح شده است.

۲. محرومیت از حقوق اجتماعی، مدنی، سیاسی ۱۹-۲۹۲ و در ماده ۱۳-۲۹۲ مجازات هایی شامل حق رأی دادن، حق انتخاب شدن، حق انجام کار قضایی یا کارشناس بودن در محکمه، حق شهادت دادن در مرجع قضایی، حق قیومت و مراقبت مطرح شده است و در ماده ۹-۷۱۱ مدت محرومیت در مورد افراد که مرتکب جرایم جنایی شده، از انواع جرایم تروریستی

۲۷ سال و در جرایم جنحه تروریستی ۲۰ سال ذکر شده است اما در تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون ایران مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نمی باشد. مگر در مواردی که قانون به نحو دیگر مقرر نموده باشد.

۱. ممنوعیت از اشتغال به یک شغل عمومی و یا فعالیت اجتماعی و حرفه ای در قانون فرانسه در ماده ۹۲-۲۹۲ مدت محرومیتها را بین ۲۰ تا ۲۷ سال در جرایم جنحه و جنایی تروریستی اعلام کرده است. قانون گذار فرانسهدر سال ۲۳۳۷ دادگاه را مکلف به صدور مجازات تکمیلی فقط در جرایم تروریستی ناشی از جرایم عمومی ۲-۷۱۲ و تروریسم زیست محیطی ۱-۷۱۲ کرده بود اما در سال ۲۳۳۹ اعمال مجازات های تکمیلی به تمام جرایم تروریستی تعمیم داده شد و در سال ۱۰۰۲ طبق ماده ۷-۷۱۲ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که جرایم تروریستی مرتکب شده اند، به مجازات تکمیلی مصادره تمام یا قسمتی از اموال که ماهیت آن خواه منقول و یا غیر منقول باشد، محکوم می شوند اما در مورد مجازات های تکمیلی اختیاری در قانون فرانسه باید بیان کرد افراد خارجی که در فرانسه مرتکب جرایم تروریستی و یا جرایم علیه منافع اساسی ملت شوند، براساس ماده ۷-۷۱۱ به عنوان مجازات تکمیلی ختیارای اخراج و از حضور آنان در خاک فرانسه ممانعت می شود، از طرفی در ماده ۹-۷۲۷ قانون گذار فرانسه امکان اعمال مجازات های تکمیلی اختیاری را نسبت به بخش اول) جاسوسی و خیانت به کشور ( و بخش دوم) لطمات علیه تاسیسات جمهوری و تمامیت ارضی فرانسه ( نیز تسری داده است. ( شیخ الاسلامی، جلالی، ۲۹۳۷، ۲۷۱-۲۷۹).

## ۲-۲- مجازاتهای جایگزین حبس

جایگزین حبس به هر تدبیر و اقدامی گفته می شود که به منظور اجتناب از اجرای کیفر حبس یا بازداشت موقت و با هدف دور نگاه داشتن مرتکبان جرم از آثار ناگوار و مخرب محیط زندان و در عوض، نظارت هر چه بیشتر بر آن ها در محیط خارج از زندان به اجرا درمی آید. در یک تقسیم بندی مرسوم، این جایگزینها به جایگزینهای سنتی و نوین تفکیک میشوند. منظور از تدابیر جایگزین سنتی، اقداماتی هستند که از بدو قانونگذاری در نظام عدالت کیفری و به منظور اجتناب از عواقب مخرب محیط زندان و بازداشتگاه مورد اجرا بوده اند. در عین حال، یک هدف اصلی از اجرای آنها، کاهش جمعیت کیفری زندانها و بازداشتگاهها بوده است. هر چند تلاش فلاسفه و حقوقدانان غربی در طول قرن های هفدهم و هجدهم در زمینه جلوگیری از اعمال مجازات های خشن و شدید، موجب پذیرش زندان به عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد، اما دیری نپایید که استفاده بی رویه از زندان با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس در اصلاح و بازروزی زندانیان، هم چنین به دلیل جرم زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و ... باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شد. به طوریکه حتی موافقان آن را دچار تردید و در نهایت، به واکنش واداشت. یکی از مهم ترین واکنش هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت، پیشنهاد استفاده از «جایگزین های مجازات حبس» و اجتناب از آن، مگر به عنوان «آخرین حربه» بوده است. اغلب کشورها همچون ایران و فرانسه با توجه به موارد بیان شده دست به اقداماتی در زمینه ایجاد مجازات های جایگزین حبس نموده اند. هم اکنون یکی از سیاست های کلی سازمان زندان ها در ایران و فرانسه، کاستن جمعیت کیفری مبتنی بر این واقعیت بوده و نتیجه این تلاش ها کاهش چشمگیر ورودی زندانها در سال گذشته بوده است. البته فرانسه به عنوان پیش رو در عرصه قانون گذاری پیش از سایر کشورها اقدام به اعمال مجازات های جایگزین حبس نموده و پیشرفت های موجود در این زمینه در حقوق فرانسه و مواد قانونی این کشور مشهود می باشد. ( خلیلی کالی، محرابی کالی، ۲۹۳۹، ۹۹).

در حقوق ایران، مجازاتهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۲۹۳۱ در یک بخش مجز (مواد ۹۹ تا ۹۹) تدوین گردیده شده است. به این ترتیب کیفرهای مزبور نظام مند شده اند و نوآوری دیگری به جامعه عرضه گردیده است. ابزارهای ضروری در اعمال فردی کردن مجازات ها می باشد که زمینه را برای تفهید قضایی فراهم نموده است. مجازات های جایگزین حبس نوین عبارتند از:

۲) دوره مراقبت- دوره مراقبت را می توان چنین تعریف کرد: « آزادی محکوم به حبس در مدت معین زیر نظارت قاضی اجرای احکام برای انجام دستور یا دستورهای خاصی که مجرم را اجتماعی می کند .

۱) خدمات عمومی رایگان به معنای کار و وظیفه ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می گیرد. کار عام المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می کند تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای ارتكابی خویش برآید. کیفر خدمات عام المنفع، کار مجانی به مقدار و ساعت معین و با موافقت محکوم برای یک موسسه، اتحادیه یا نهاد عمومی، تحت نظارت قاضی اجرای کیفرها اعمال می شود.

۹) جزای نقدی روزانه - این جریمه ها به این دلیل «جریمه روزانه» نامیده می شوند که میزان آنها با درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی دارد.

۷) محرومیت از حقوق اجتماعی - حقوق اجتماعی به یک سلسله حقوق گفته می شود که به منظور رفع تبعیض اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته می شود، حقوقی که قانونگذار برای اتباع خود در روابط با موسسات عمومی مقرر داشته است؛ ماند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلس و در این مجازات مجرم از این حقوق محروم می شود. (خاکساری، غلامی، ۲۹۳۹، ۱۲).

در حقوق فرانسه قانون جزا این امکان را برای قاضی پیش بینی کرده است که با هدف محدود ساختن مجازاتهای کوتاه مدت حبس، احکام ارجاعی را جایگزین مجازات های خاص یا برخی از مجازات های اضافی کند، زیرامجازات های جایگزین در قانون پیش بینی شده است. با این حال، این جایگزینی برای جرایم مستثنی است و بنابراین فقط در جرایم جرم و جریمه قابل دستیابی است. احکام جایگزین به عنوان احکام اصلی، «به جای حبس» یا «به جای جزای نقدی» تلفظ می شوند. این احکام جایگزین نتیجه اصلاح قانون مجازات فرانسه در سال ۲۳۳۱ است که قانونگذار مفهوم مجازات جایگزین را با مجازات جایگزین جایگزین کرد. این تغییر واژگان نشان دهنده تمایل قانونگذار بود که این احکام دیگر جایگزین احکامی نباشند که به دلیل اعمال آنها در اختیار قضاوت رها شده است، بلکه احکام اصلی مورد هجوم قانونگذار اکنون احکام جایگزین نامیده می شوند. بر اساس روح قانونگذار سال ۲۳۳۱، قرار بود این احکام جایگزین برای مجازات هر جرم یا خلافی که برای آن امکان پذیر است، پیش بینی شود. اما در واقع، احکام جایگزین در قالب فهرستی در قانون جزا وضع شده است بدون اینکه متون مجرمانه به آنها اشاره کنند. بنابراین، این تحریم های جایگزین برای یک رفتار خاص نیست، بلکه به شکلی جهانی است. از آنجایی که این احکام به طور خاص در تحریم یک رفتار خاص پیش بینی نشده اند، بنابراین این احکام به شدت تخلف ناشی از این رفتارها ارتباطی ندارند. یقیناً با این رویه اصل قانونی بودن اصولاً محقق نمی شود. در واقع این سازوکار همانند احکام قابل تعویض در قانون پیش بینی شده است. «مشروعیت دموکراتیک آنها را نمی توان به چالش کشید» زیرا در چارچوب ارائه شده توسط قانونگذار است که قضاوت قدرت جانشین خود را اعمال می کنند. از سوی دیگر، اصل تخصص قربانی می شود و قانونگذار احکامی را برای هر جرمی بدون پیش بینی برای هر جرمی اعمال می کند. (J. Larregue, ۱۹۰۱۰۲۷).

اما این جملات جایگزین در رابطه با اصل تناسب مشکل ایجاد می کنند. در واقع، این احکام اغلب به صورت جامع تعیین می شوند و بنابراین لزوماً به جرایمی که می توانند مجازات کنند، رسیدگی نمی شود. بنابراین قانونگذار این احکام را بدون بررسی رابطه آنها و در نتیجه تناسب آنها با شدت نقض نظم عمومی تعیین می کند. قانونگذار در مورد احکام جایگزین، تعیین عینی این احکام را با توجه به شدت رفتاری که تحریم می کند، فراموش می کند و انتخاب بین مجازات های مختلف ممکن را به عهده قاضی می گذارد، نه عینی، بلکه ذهنی بسته به شخصیت و توانایی فرد برای ادغام مجدد. بنابراین، الزام تناسب دقیق بین شدت جرم و شدت مجازات، با توجه به اهداف مورد نظر کنار گذاشته شد، در چنین شرایطی، شدت تخلف را تنها می توان با ارجاع به احکام اصلی سنجید. بنابراین تناسب صرفاً نمادین است زیرا قاضی تعهدی به صدور این احکام مرجع ندارد و برعکس ممکن است احکام غیرمرتبط با جرم را اعمال کند با وجود این، احکام جایگزین عمدتاً به دلیل کمبود وسایل و دلبستگی افکار عمومی به احکام حبس، توسط قاضی چندان اجرا نمی شود. با این حال، مناسب است که با بازگرداندن ارتباط آنها با شدت رفتارهایی که آنها تأیید می کنند، فردیت عینی واقعی قانونگذار را در رابطه با این احکام بازگردانیم. چنین بازبانی می تواند شامل پیش بینی مجازات های جایگزین کافی برای هر جرم باشد و نه فهرستی جامع که قدرت بیش از حد را به قاضی واگذار کند و در نتیجه این اصل را تضعیف کند. از قانونی بودن چنین اقدامی بخشی از گرایش فعلی قانونگذار برای اهمیت دادن به

تناسب و محدود کردن اختیارات فردی کردن قضات خواهد بود. بنابراین، قانونگذار همیشه اصول حقوق کیفری را که باید در هنگام هجوم حکم اجرا شود، رعایت نمی کند. بنابراین، با اصل ضرورت و تناسب مغایرت دارد. اما کاستی ها در عمل شخصی سازی حقوقی به همین جا ختم نمی شود، قانون گذار گاه در صدور احکام و به ویژه در ارزیابی رابطه بین شدت و دشواری در رعایت چارچوب هایی که خود تعیین کرده است، از جمله مقیاس احکام، انسجام ندارد. (۲۱۱۸۸۷۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰).

### کیفیات تخفیف دهنده مجازات و معافیت از آن

زمانی که از کیفیات تخفیف دهنده مجازاتها سخن به میان می آید دو دسته از آنها را باید از هم تفکیک نماییم: دسته ی اول که به کیفیات مخففه قانونی موسوم اند عبارتند از: علی که به حکم قانون و به دلایلی که مقنن تشخیص می دهد، میزان مجازات بزه کار را تقلیل می دهد. در همین رابطه گاهی قانونگذار به همان دلایل، امکان اجرای مجازات را غیر ممکن می گرداند که معافیت های قانونی از مجازات نام می گیرند. ویژگی این دسته از کیفیات یا معافیت ها آن است که قاضی به محض مواجهه با آن ها و به مجرد حصول یقین، مکلف می باشد در اعمال آنها اقدام نماید. صدور حکم با توجه به این کیفیات، الزامی می باشد. در مقابل، دسته دیگری از کیفیات مخففه وجود دارد که بر خلاف دسته نخست، در اختیار دادرسان دادگاه ها قرار دارد و کیفیت مخففه قضایی نامیده می شود. این کیفیات زمانی اعمال می گردد که دادگاه به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر در قانون را برای مجرم، سنگین و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری تشخیص می دهند. اعمال این دسته از کیفیات مخففه، مصداق بارز سیاست فردی کردن مجازاتها می باشد. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه اعمال این کیفیات به میل و نظر قاضی واگذار شده است، ولی به این معنی نیست که قاضی در اعمال آنها از اختیارات نامحدودی برخوردار می باشد. چراکه در اینجا نیز قانون، حدود اعمال این کیفیات را مشخص می گرداند. در حقوق کیفری ایران، قاضی برای تعیین مجازات، به جرم و مجرم توجه دارد و نقش بزه دیده را در تکوین جرم و برانگیختن مجرم برای فردی کردن مجازات و تعیین مجازات در نظر می گیرد. در قانون جدید مجازات اسلامی مسئله تخفیف مجازاتها نظام مند گردیده اند و دیگر دادگاه ها نمی توانند مجازاتهای تعزیری را به هر صورتی که میخواهند تخفیف بدهند. (بقائی نظری، طالونی، ۲۹۳۳: ۹۱۱-۹۱۰). در حقوق فرانسه، آرای که پس از انجام دادن محاکماتی که معمولا به صورت علنی برگزار و با شرایط خاصی صادر می شود، قطعی نیست و پس از صدور حکم بلافاصله به مرحله اجرا گذارده نمی شود، ممکن است حکم صادر شده توسط شخص محکوم یا مدعی خصوصی و دادسرا مورد تجدیدنظر واقع شود. حتی شاید در بعضی از مسائل کیفری، رای صادره از طریق اعاده دادرسی مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد. اصولا در امور جزایی اجرای موقت تصمیمات جزایی وجود ندارد. اجرای یک رای جزایی در مهلت تجدیدنظر و سپس قاطعیت رای مرحله تجدیدنظر، به حالت تعلیق در می آید، فقط در موارد استثنایی است که با وجود اجرای تجدیدنظر، قانون، اجرای فوری تصمیم جزایی یا محکومیت به ضرر و زیان یا استرداد را می پذیرد، مثلا به نفع متهمی که قبل از صدور رای در ماهیت امر آزاد می شود (قانون ۳ ژوئیه ۲۳۹۷ دایر بر لغو بند ۹ ماده ۲۹۹ ق.د.ک) متهم تبرئه یا معاف می گردد یا به نفع قربانی جرم ( ماده ۷۱۷ بند ۹ و ماده ۷۹۳ بند ۲ ق.د.ک) یا علیه محکوم برای تشدید اثر مجازات ( مواد ۷۱۷ ق.د.ک-۱۱ و ۱۷ فرمان ۱ فوریه ۲۳۷۷) اجازه فوری آن داده می شود. بالاخره قانون ۲۰ ژوئن ۲۳۹۹ ( ماده ۹۷۰) به قاضی می دهد که با اجرای موقت مجازات های جانشین در اجرای مواد ۷-۷۹ ق.م) ماده ۷۱۲ ق.د.ک) حکم صادر کند. بنابراین رای کیفری زمانی به اجرا گذارده می شود که قطعیت یافته باشد و رای کیفری وقتی قطعی است که مهلت تجدیدنظر از آن منقضی یا اجرای راه های تجدیدنظر طی شده باشد و بعد از صدور رای مرجع تجدیدنظر، رای باید به اجرا درآید. اجرای اغلب مجازات های سالب آزادی و سالب حقوق با اینکه به موجب ماده ۲-۱۰۱ ق.د.ک از طرف دادسرا تعقیب می شود، مستقیما به آیین دادرسی کیفری مربوط نیست. خلاصه، تصمیم برائت بعد از قطعیت، اعتبار حاکمیت قضیه قضاوت شده در کیفری را داشته و مانع هرگونه تعقیب جدید نسبت به همان اعمال است. اگر متهم در زندان باشد و تصمیم برائت گرفته شود، باید فوری آزاد شود و آزادی وی منوط است به اینکه به علت دیگری زندانی نباشد و درخواست تجدیدنظرخواهی نیز مانع آزادی وی نخواهد شد) ماده ۹۱۳ ق.د.ک. (علیشاهی قلعه جوقی، نجفی کشکولی، حسینی، ۲۹۳۷، ۲۱۰).

### ۱۳) اصل فردی کردن مجازات در مرحله پس از قضاوت

فردی کردن مجازات پس از مرحله قضاوت مبتنی بر این منطق است که مدت درست کیفر نه فقط بر مبنای جرم و شرایط آن بلکه بر مبنای خود کیفر آن گونه که به طور عینی جریان پیدا می نماید، تغییر می کند؛ پس اگر قرار باشد کیفر فردی گردد، باید بر مبنای فرد تنبیه شده صورت گیرد. آزادی مشروط و عفوهای خاص مهم ترین تاسیساتی می باشد که پس از صدور حکم برای فردی سازی کیفر پیش بینی گردیده اند و بر حسب نوع کیفر می توان تمهیداتی را برای فردی کردن آن برقرار کرد.

#### ۳-۱- نهاد آزادی مشروط

اندیشه های کیفری که از مفهوم مجرد بزه و مسئولیت جزایی به ضرورت توجه به انسان سبب شده که بزه کار به عنوان انسانی نیازمند به کمک و راهنمایی و شایسته تربیت و اصلاح مورد توجه قرار داشته باشد. در صورت محکومیت هر بزه کار، در کنار هدف تادیب و تنبیه، اصلاح و باز اجتماعی شدن او نیز از اهداف مورد توجه می باشد. این بینش از اجرای مجازات وقتی با مفهوم اصلاح و تربیت همراه می گردد، به این نتیجه منطقی می

رسیم که با تحقق اصلاح و باز اجتماعی شدن بزه کار، دیگر نیاز به گذراندن دوران کامل محکومیت نمی باشد. با اعطای آزادی مشروط به محبوسان، امکان اصلاح و بازگشت هر چه سریع تر آنان به جامعه فراهم می گردد و ضمن کاستن از هزینه های گزاف و بیهوده بر جامعه، می توان از آن ها به عنوان نیروهای کار آمدی برای اجتماع استفاده نمود. هر چند در کنار امتیازهای این نهاد حقوقی، ایرادهایی بر آن وارد شده است. ولی باید توجه نمود که آگاهی هر چه بیشتر از فلسفه نهاد آزادی مشروط و توجه هر چه دقیق تر به مبانی سیاست فردی کردن مجازات ها از این ایرادها کم می کند. قانونگذاری ایران ضمن پذیرش نهاد آزادی مشروط در مقررات موضوعه کیفری، قلمرو اعمال سیاست فردی کردن مجازات ها را به مرحله اجرای محکومیت های کیفری تعمیم داده است. (آشوری، ۲۹۹۱، ۷۱۹).

در حقوق فرانسه به مانند تعلیق اجرای مجازات، دو ماه ی کلیدی و مهم در خصوص نقش قاضی اجرای احکام کیفری در نهاد آزادی مشروط اولا ماده ۱-۱۲۹ و سپس ماده ۱-۱۲۱ است. به موجب ماده اول «آرای راجع... آزادی مشروط بعد از نظر نماینده اداره زندانها در پایان مذاکره ترافعی برگزار شده در اتاق مشاوره که در جریان آن قاضی اجرای مجازاتها درخواستهای دادرسی و ملاحظاتی محکوم و در صورت اقتضاء توضیحات و کیل وی را، استماع می کند، صادر می شوند». از طرفی تعیین کننده بودن قاضی فوق الذکر در صدور آزادی مشروط در بسیاری از مصادیق خود بسیار مهم است. ثانیاً در مواردی نیز که در صلاحیت دادگاه اجرای مجازاتها است نیز به نحوی می باشد که نقش مشورتی قاضی اجرای مجازاتها در آن تعیین کننده است. زیرا به موجب ماده ۱-۱۲۱ «تدابیر راجع به... آزادی مشروط... که در صلاحیت قاضی اجرای مجازاتها نیست، با رأی موجه دادگاه اجرای مجازاتها که براساس درخواست محکوم، درخواست های دادستان شهرستان یا به ابتکار قاضی اجرای مجازات ها که محکوم در اجرای مقررات ماده ۱۲-۱۲۰ را مورد درخواست قرار می دهد مورد ارجاع قرار می گیرد». به موجب ماده ۲۰-۱۲۱ از قانون این کشور «هنگامی که با تدبیر... آزادی مشروط موافقت شده است، از لحاظ محلی، قاضی اجرای مجازاتهای دادگاه حوزه ای که در حوزه آن، محل احضار محکوم یا اقامتگاه عادی او که در تصمیم موافقت کننده با تدبیر، معین می شود وجود دارد، صالح محسوب می شود». در پیاده سازی و نظارت نیز در این ماده قاضی اجرای دیصلاح تعیین شده است. این نظارت در پیاده سازی نهاد آزادی مشروط تا بدان حد است که در ماده ۲۳-۱۲۱ مقرر شده است که این قاضی میتواند بازداشت محکوم مشمول آزادی مشروط را صادر نماید «در صورت عدم رعایت الزاماتی که بر عهده محکوم موضوع تعلیق توأم با آزمایش، تعلیق با انجام خدمات عام المنفعه، تعقیب اجتماعی-قضایی، نظارت قضایی، تعلیق یا تقسیط مجازات یا آزادی مشروط، گذاشته شده است، قاضی اجرای مجازاتها میتواند بعد از نظر دادستان شهرستان به بازداشت موقت محکوم دستور دهد»، نکته دیگری که در خصوص عملکرد قاضی اجرای مجازات و دادگاه مرتبط در ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک مقرر شده است، زیرا به موجب این ماده تصمیم آزادی مشروط، شیوه های اجرا و شرایط اعطاء یا حفظ آزادی و ماهیت و مدت تدابیر مددکاری و نظارت را معین می کند. اگر تصمیم توسط دادگاه اجرای مجازاتها گرفته شود، این دادگاه می تواند پیش بینی کند که بین دو تاریخ معین، آزادی در روز تعیین شده توسط قاضی اجرای مجازاتها خواهد بود... در طول مدت آزادی مشروط، محتوای تصمیم میتواند با توجه به تفکیک



های ماده ۱۹۰، بعد از نظر واحد بازپروری و تعلیق مراقبتی اداره زندانها، توسط قاضی اجرای مجازاتهای صالح در اجرای این تصمیم یا پیشنهاد این قاضی، توسط دادگاه اجرای مجازاتها تغییر داده شود. به علاوه بر اساس ماده ۱۹۹ در صورت محکومیت جدید، بدرفتاری آشکار، نقض شرایط یا عدم رعایت تدابیر مذکور در تصمیم اجرای آزادی مشروط، این تصمیم می تواند با توجه به تفکیک های ماده ۱۹۰ توسط قاضی اجرای مجازاتها یا دادگاه اجرای مجازاتها بنا بر شیوه های پیش بینی شده توسط مواد ۹-۱۲۱ یا ۱-۱۲۱ لغو گردد. هنگامی که تصمیم آزادی مشروط جنبه اجرایی به خود نگرفته است و هنگامی که محکوم شرایط قانونی انتفاع از آزادی مشروط را فراهم نکند، وضعیت به همین صورت خواهد بود. ( امیری، رضانی، گلدوزیان، صلاحی، ۹۱، ۲۹۳۹)

### ۳-۲- عفوهای خاص

برخی از انواع عفو با هدف فردی سازی مجازات پیش بینی گردیده اند. یعنی عفوهایی که با در نظر گرفتن خصوصیات شخص محکوم اعطاء می گردند و نه مجرم جرم ارتكابی. ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی ۲۹۱۰ و ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۲۹۳۱ به عفو خاص توسط مقام رهبری اشاره می نماید. این نوع عفو در صورتی می تواند در جهت فردی سازی مجازات قرار بگیرد که در پیشنهاد ریاست قوه قضاییه، خصوصیات و شخصیت محکوم مورد توجه باشد ولی دلایل دیگری مانند افزایش آمار زندانیان و هزینه سنگین بر دوش حکومت، بیانگراین امر است که نه تنها مجرم اصلاح نشده را به جامعه باز می گرداند، بلکه اثر ارعایی مجازات را نیز به شدت تنزل می دهد. بقائی نظری، طلونی، ۲۹۳۳: ۹۱۷).

### ۴) فردی کردن در مرحله اجرای مجازات

#### ۴-۱- تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از معلق ساختن اجرای مجازات کسی که به کیفر مقرر در قانون محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی پس از صدور قرار تعلیق، مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورهای دادگاه در این مدت پیروی نمود، محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد. اندیشه تعلیق اجرای مجازات که مشهور به نظام فرانسوی - بلژیکی است، تحت تاثیر مکتب تحقیقی وارد قوانین کشورهای اروپایی شد و از طریق کشور فرانسه به نظام کیفری ایران وارد شد. تعلیق اجرای مجازات برای نخستین بار در قالب قانون تصویب شده در ۱۹ مارس ۲۹۳۲ میلادی مشهور به قانون برانژر وارد نظام حقوقی فرانسه گردید و از آن تاریخ تاکنون همواره توجه قانون گذار را به خود جلب نموده است. این نهاد به سه صورت ساده، مراقبتی و همراه با انجام کار عام المنفعه پیش بینی شده است. باید توجه داشت که دو مورد اخیر از جمله جایگزین های حبس محسوب می شوند. (گلدوست جویباری، مرادیان، ۲۹۳۷، ۲۷۲)

با این حال تحقق شرایط مختلفی پیش از صدور قرار لازم است که عبارتند از:

#### ۱. احراز مجرمیت

در ایران و به استناد ماده ۷۰ قانون مجازات، صدور تعویق حکم به احراز مجرمیت متهم مشروط است. علت این امر را باید در فلسفه وجودی این نهاد جستجو کرد. قانونگذار با پیش بینی تعویق صدور حکم درصدد است که پیش از صدور حکم و تعیین مجازات به مجرم کم خطر و قابل اصلاح فرصت دهد تا با حضور در جامعه و در صورت اقتضا با اجرای دستورات مقام قضایی خود را با هنجارهای اجتماع منطبق سازند با این حال، نحوه احراز مجرمیت در قانون مشخص نشده است. به نظر می رسد غیر از جرائم مطبوعاتی که مجرمیت از سوی هیئت منصفه احراز می شود (ماده ۷۹ قانون مطبوعات ۲۹۱۳)، در سایر جرائم، دادگاه باید با توجه به محتویات پرونده و قرائن و امارات موجود مجرمیت را احراز نموده، چنانچه اعتقاد به بی گناهی متهم داشته باشد، ضرورتی به تعویق صدور حکم نبوده، حکم برائت صادر می شود. (گلدوست جویباری، مرادیان، ۲۹۳۷، ۲۹۳).

در حقوق فرانسه نهاد تعویق صدور حکم در مورد تمام دسته های جرائم اعمال نمی شود؛ بلکه یکی از شروط بهره مندی از این نهاد، جنحه ای یا خلافی بودن جرم ارتكابی می باشد ( ماده ۷۹-۲۹۱ قانون جزای جدید فرانسه). نکته قابل ذکر این است که

قانون گذار فرانسوی برای اطفال بزهکار، هیچ ارفاقی نسبت به بزرگسالان در بهره مندی از این نهاد قائل نشده است. (همان، ۲۷۹)

## ۲. موافقت مرتکب

هرچند قانون مجازات اسلامی به طور صریح به لزوم رضایت مرتکب اشاره نکرده و برخی نیز با این استدلال که چون دادگاه در صدور قرار مختار است و این تأسیس ارفاقی حق متهم محسوب نمی شود، قائل به این هستند که رضایت داشتن یا نداشتن وی در اعمال آن تأثیری ندارد (توجهی و کوره پز، ۲۹۳۱، ۲۰۱).

ولی باید گفت ماده ۷۲ تلویحا رضایت مرتکب را ضروری دانسته است. چنان که در زمان صدور قرار تعویق، اعم از ساده و مراقبتی، مرتکب باید به طور کتبی متعهد شود که در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشده و دستورها و تدابیر مقرر دادگاه را رعایت کند. از این رو، چنانچه مرتکب راضی نبوده، حاضر به دادن تعهد نباشد، صدور قرار منتفی خواهد شد. اهمیت تعهد مرتکب تا به آن حد است که اگر وی حاضر نباشد و محاکمه غیابی برگزار شود، دادگاه نمیتواند قرار تعویق صدور حکم را صادر کند ( ماده ۷۲).

در واقع تعویق صدور حکم نوعی تعیین و تحمیل ضمانت اجرا بر مرتکب است. بنابراین، صرف حضور وکیل یا ارسال لایحه دفاعیه برای برای صدور قرار و حضوری تلقی کردن آن کفایت نمی کند. قرار غیابی تنها از نظر شکل صدور ممکن است با حضور وکیل و یا لایحه دفاعیه وی حضوری تلقی شود، ولی پیش از آن باید محکوم در دادگاه حاضر شده، تعهدات را بپذیرد. (عالی پور و توحیدی نافع، ۲۹۳۷، ۹۱۰-۹۲۳).

## ۳. جبران ضرر و زیان بزه دیده

جبران زیان وارده به بزه دیده و یا توافق مرتکب با وی در زمینه چگونگی جبران آن از جمله شرایط بزه دیده مدار است که پیش بینی آن نقش موثری در حمایت از حقوق بزه دیده دارد. قانونگذار ایران نیز از رهگذر پیش بینی این شرط در بند «ب» ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی به تعویق صدور حکم جنبه ترمیمی بخشیده و در کنار توجه به وضعیت مرتکب، مصالح بزه دیده را نیز مدنظر قرارداده است جبران خسارت به ضرر و زیان مادی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم منحصر نشده، بلکه شاکلی/ بزه دیده می تواند جبران زیان معنوی، آسیبهای روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی را نیز مطالبه کند. افزون بر این، دادگاه می تواند به رفع زیان از طریق دیگر از جمله الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نیز حکمنماید (ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری). (نیازپور، ۲۹۳۱، ۱۷۹).

در این زمینه قانون مجازات فرانسه در ماده ۹۰-۲۹۱ به این موضوع اشاره کرده است. در واقع زمانی قاضی اجرای مجازاتها در فرانسه می تواند صدور حکم مجرم را به تعویق بیندازد که «خسارت های ناشی از ارتکاب جرم در حال جبران باشد» و مجرم در صدد جبران خسارتها برآمده باشد. لازم به ذکر است که با توجه به رویه قضائی فرانسه، دادگاه در زمان تعویق صدور حکم، نیازی به ذکر شرایط پیش بینی شده مذکور در ماده ۹۰-۲۹۱ در تصمیم خود ندارد. (توجهی، کوره پز، ۲۹۳۱، ۲۰۷)

## ۴. نداشتن سابقه کیفری مؤثر

در ایران برابر بند «ت» ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی «فقدان سابقه کیفری مؤثر» جزء تعویق صدور حکم است تا از این طریق مقام قضایی بتواند گذشته رفتاری مرتکب را شناسایی کند. پیش بینی این شرط نمایانگر گرایش سیاست جنایی ایران به ارفاق نسبت به آن دسته از مجرمانی است که پیش از ارتکاب جرم دارای سابقه کیفری مؤثر نبوده، همواره درصدد احترام به هنجارهای قانونی هستند (نیازپور، ۲۹۳۱، ۱۷۷).

بر اساس تبصره ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی، محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۱۷ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می کند. بنابراین، محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد (تبعید)، حبس بیش از دو سال و شلاق حدی است، مانع تعویق

صدور حکم خواهد بود و هرگاه پس از صدور قرار، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه کیفری موثر بوده و بدون توجه به آن صدور حکم به تعویق افتاده است، قرار را لغو می کند. دادستان و قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع، لغو تعویق را از دادگاه درخواست نماید (ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی). برخی معتقدند «محرومیت از تعویق صدور حکم به صرف محکومیت قطعی مرتکب به یکی از مجازاتهای ماده ۱۷ به طور دائم ایجاد می شود و انقضای مواعد پیش بینی شده در ماده ۱۷ و اعاده حیثیت مرتکب، موجب برخورداری مجدد او از این نهاد نخواهد شد» (سلیمی و کنعانی، ۲۹۳۷، ۳۹). در قانون جزای فرانسه چنین شرطی دیده نمی شود. بنابراین اگر کسی قبلاً مرتکب جرم شده باشد و دارای سابقه کیفری نیز باشد، دادگاه با ملاحظه و رعایت شرایط اعطای نهاد تعویق صدور حکم، می تواند قرار مذکور را حتی درباره مجرمین باسابقه اعمال کند. به بیان دیگر، مجرم باسابقه کیفری مانند مجرم فاقد سابقه، حق استفاده را داراست. (توجهی، کوره پز، ۲۹۳۱، ۲۰۹).

### ۱. پیش بینی اصلاح مرتکب

پیش بینی اصلاح مرتکب یکی دیگر از شروطی است که بر اساس ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی برای صدور قرار تعویق صدور حکم لازم است. پیش بینی اصلاح مرتکب امری قطعی نیست و دادگاه نمی تواند به طور قطع پیش بینی کند که متهم دوباره مرتکب جرم نخواهد شد. (آقایی جنت مکان، ۲۹۳۱، ۲۰۹). زیرا پیش بینی در خصوص مجرمان در بیشتر موارد با واقعیت منطبق نیست و بسیاری از افرادی که احتمال می رود در آینده مرتکب جرم شوند، اساساً مرتکب جرم نمی شوند. (بابایی و غلامی، ۲۹۳۲، ۱۷۱). در این باره، صدر ماده ۹۰-۲۹۱ قانون مجازات فرانسه نیز تحصیل بازپروری اجتماعی را شرط برخورداری از این ارفاق دانسته است و اشعار می دارد: «هنگامی که به نظر می رسد بازپروری اجتماعی بزهکار در حال حاصل شدن است... دادگاه می تواند صدور کیفر را به تاخیر ببیند (د). گلدوست جویباری، مرادیان، ۲۹۳۷، ۲۷۹»

### ۲. وجود جهات تخفیف

در ایران نیز بر اساس بند «الف» ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی، وجود جهات تخفیف از شروط لازم برای صدور قرار تعویق صدور حکم است. بر اساس ماده ۹۹ نیز جهات تخفیف حصری بوده و دادگاه مکلف است آن را در حکم خود قید کند. با وجود اطلاق بند «الف» ماده ۷۰، وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف برای تعویق صدور حکم کفایت می کند. افزون بر این، با توجه به تبصره ۱ ماده ۹۹ جهات تخفیف نمی تواند با سایر شروط تعویق حکم مصرح در ماده ۷۰ یکسان باشد. برای نمونه، دادگاه نمی تواند صرفاً به دلیل جبران ضرر و زیان بزه دیده از سوی مرتکب (موضوع بند «ج» ماده ۹۹ و بند «پ» ماده ۷۰) صدور حکم را به تعویق اندازد.

فروغی، مقدسی، غنی، ۲۹۳۹، ۹۹۳)

درخصوص کیفرهایی که قانون گذار آنها را دایره شمول معافیت قرار داده باید در مرحله نخست بین سه واژه ی حبس شاقو حبس جنایی و حبس جنحه ای تفاوت قایل شویم زیرا هریک از این سه واژه مفهوم حقوقی خاصی دارد اگرچه ماهیت هر سه ی آنها یکسان یعنی حبس است. حبس جنحه ای کیفری است که برای بزه های جنحه ای (خواه بزه حقوق عام و خواه بزه سیاسی) پیش بینی شده است. بنابراین همانطور که ملاحظه گردید هریک از این سه واژه بار جنایی خاصی را به دنبال دارد. شایان یادآوری است که حبس شاقه تا سال ۲۳۹۰ میلادی به مفهوم کیفر تریبی و تزهیلی پیش بینی شده برای بزه های جنایی حقوق عام بود. از سال ۲۳۹۰ میلادی حبس شاقه مفهوم کیفر تریبی و تزهیلی را از دست می دهد و از این پس مفهوم کیفر حبس را به خود می گیرد. کیفرها را در قانون مجازات فرانسه به سه دسته تقسیم می شوند که عبارتند از کیفرهای جنایی کیفرهای جنحه ای و کیفرهای خلافی که هرکدام از آنها براساس شدت و ضعف جرایم به موارد متعدد تقسیم می شوند. کیفرهای جنایی پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: حبس جنایی ابد، حبس جنایی حداکثر ۹۰ سال، حبس جنایی حداکثر ۱۰ سال، حبس جنایی حداکثر ۲۷ سال.

و کیفرهای جنحه ای پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: حبس جنحه ای جریمه، جزای نقدی روزانه، آموزش شهروندی، کار با منفعت عمومی، کیفرهای محروم کننده یا محدود کننده ی حقوق پیش بینی شده در ماده ۹-۲۹۲، کیفرهای تکلیف پیش بینی شده در ماده ۲۰-۲۹۲، ضمانت اجرا ترمیم. و همچنین رده بندی کیفرهای حبس جنحه ای به قرار زیر است: حداکثر ۲۰ سال حداکثر ۱ سال، حداکثر ۷ سال، حداکثر ۹ سال، حداکثر ۱ سال، حداکثر ۲ سال، حداکثر ۹ ماه، حداکثر ۱ ماه، کیفرهای خلافی پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی عبارتند از: جریمه، کیفرهای محروم کننده یا محدود کننده حقوق پیش بینی شده در ماده ۷-۲۹۲، کیفر « ضمانت اجرا ترمیم» پیش بینی شده در ماده ۲-۲۷-۲۹۲.

بزه هایی که جریمه ی آنها کمتر از ۹۰۰۰ یورو باشد از جمله بزه های اخلاقی را تشکیل می دهند. مبلغ جریمه در بزه های خلافی به شرح زیر است: حداکثر ۹۹ یورو برای خلافی های درجه ی یک، حداکثر ۲۷۰ یورو برای خلافی های درجه ی دو، حداکثر ۷۷۰ یورو برای خلافی های درجه سه حداکثر ۱۷۰ یورو برای خلافی های درجه چهار، حداکثر ۲۷۰ یورو برای خلافی های درجه پنج، باتوجه به آنچه که در مورد هدف قانون جرایم کیفری نباید منحصر به صدور حکم مبنی بر تحمل مقداری مشقت و زجه به مجرمین باشد. مجازات فی نفسه هیچ عملی برای اعتلا سطح فرهنگ و یا تعلیم و تربیت انجام نمی دهد. بدنامی و رسوایی که لازمه هر حکم کیفری است خود بزرگترین مانع اصلاح و بازسازی مجرمین است. در ماده ۷۹-۲۹۱ قانون گذار به یکی از شروط صدور معافیت از کیفر را در مجازات های جنحه ای و خلافی اشاره کرده است که ما در این بخش همه موارد مجازات جنحه ای و خلافی را بیان کردیم. جرایمی که با مجازات های ذکر شده منطبق باشد می تواند قاضی دادگاه حکم به معافیت صادر کند. البته منظور قانون گذار معافیت مجرمین در مجازات های سبک می باشد که مجازات های خلاف و جنحه ای از جمله مجازات های سبک در قانون مجازات فرانسه میباشد. ( کاکوجوبیاری، ۲۹۳۹، ۳-۹)

#### ۴-۲- نظام نیمه آزادی

برای اجرای مجازات حبس، مقنن ایران از دیر باز مقررات فردی سازی را پیش بینی نموده است. در حال حاضر نیز موادی از آیین نامه ی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی کشور مصوب ۲۹۹۰ با این موضوع مرتبط می باشد. ماده ۷۹ در مورد ایجاد واحد پذیرش و تشخیص، ماده ۷۳ در مورد شناخت شخصیت زندانیان و طبقه بندی آن ها، و ماده ۹۰ در مورد ضرورت تشکیل پرونده شخصیت و استفاده از اطلاعات این پرونده در شورای طبقه بندی جهت تصمیم گیری برای شرایط و نحوه ی اجرای مجازات حبس طبق ماده ۹۱ می باشد. (بقائنی نظری، طالونی، ۲۹۳۳: ۹۱۷). در حقوق جزای ایران، نظام نیمه آزادی تنها در مورد حبس های تعزیری قابل اعمال است، لذا در حبس های حدی امکان صدور حکم به نیمه آزادی وجود ندارد. با وجود این اطلاق ماده ۷۱ (قانون مجازات اسلامی و عدم تخصیص تعزیرات منصوص شرعی از قلمرو نظام نیمه آزادی در تبصره) ۱ (ماده) ۲۲۷ حکایت از تعمیم این نظام نسبت به تعزیرات منصوص و غیر منصوص دارد چرا که به رغم این که در برخی روایات حبس به عنوان تعزیر بزهکار مورد تصریح قرار گرفته است، شورای نگهبان ظاهراً از تعزیر منصوص چنین مصادیقی را مطمح نظر قرار نداده است، و این که در برخی نظرات خود از عبارت «شلاق های منصوص شرعی» استفاده نموده است مؤید چنین استنباطی است. ماده (۷۱) قانون مجازات اسلامی نظام نیمه آزادی را به حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت، حبس از نود و یک روز تا پنج سال، محدود کرده است. ظاهر قانون حکایت از آن دارد معیار، مجازات قانونی و نه میزان حبس مقرر در دادنامه است. در مورد حبس های درجه هشت، کمتر از نود و یک روز، به جهت سیاستهای مبتنی بر احتراز از حبس های کوتاه مدت، حکم به اجرای حبس داده نمی شود، اعم از آنکه حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس باشد و یا در سایر موارد چنانچه دادگاه نظر بر اصدار حکم به بیش از سه ماه را نداشته باشد، به ترتیب وفق ماده ۹۷ (قانون مجازات اسلامی و بند) ۱ (ماده) ۹ (قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن، باید به کیفر جایگزین حکم داد، از این رو زمینه ای برای اجرای نظام نیمه آزادی باقی نمی ماند. در حبس های بیش از پنج سال نیز مقنن نظام نیمه آزادی را نپذیرفته است. حبس موضوع نظام نیمه آزادی باید کیفر اصلی جرم باشد، لذا در مورد حبس بدل از مجازات تکمیلی موضوع ماده ۱۷) قانون مجازات اسلامی قابل اعمال نیست، خصوصاً آنکه حبس مزبور ناشی از تعهدناپذیری محکومی است که منطق برقراری نظام نیمه آزادی احراز التزام وی را اقتضاء می نماید. (اکرمی، ۲۹۳۷، ۲۱۹). حقوق دانان فرانسوی معتقد به پیاده سازی نظام

نیمه آزادی هم نسبت به مجازات‌های کوتاه مدت و هم به عنوان مقطعی از رژیم پیشرفت مرحله ی تحمل زندانهای دراز مدت هستند نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری فرانسه در جایی که به عنوان مرحله پایانی اجرای حبس طولانی مدت در نظر گرفته می شود نظام نیمه آزادی اجرایی، وفق ماده (۱۱۹-۲) قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص کسانی که یا مدت محکومیت به حبس ایشان بیش از دو سال نباشد یا آنکه بیش از دو سال از حبس ایشان باقی نمانده باشد قابل اعمال است؛ البته اگر محکوم تکرارکننده جرم باشد، مدت مزبور به یک سال تقلیل می یابد. اما نظام نیمه آزادی اصلی که از همان ابتدای اصدار حکم محکومیت در نظر گرفته می شود، تا قبل از اصلاحات سال ۱۰۰۳ به موجب ماد(۲۹۱-۱۷) صرفاً نسبت به کسانی که حداکثر به یک سال حبس محکوم می شدند قابل اجرا بود. با وجود این در اصلاحات اخیر همان ملاک مدت حبس مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری مورد حکم قرار گرفت. باید توجه داشت که ملاک مجازات قضایی است و از این رو حتی اگر مجازات قانونی جرم موضوع رسیدگی، حبس طولانی مدت باشد ولی دادگاه به کیفر تا یک سال حکم دهد، منعی در اتخاذ نظام نیمه آزادی وجود ندارد. ( همان، ۱۰ )

#### ۴-۳- حبس خانگی در مورد اطفال و نوجوانان

دادگاه با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات حبس یا جزای نقدی، به اقامت او در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می نماید و یا به نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حکم می دهد. در مقررات کیفری ایران جزای نقدی روزانه در ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی ۲۹۳۱ پیش بینی شده اما تقسیط جزای نقدی که قبلاً وجود داشته هم اکنون مورد ابهام می باشد. (بقائی نظری، طالبی، ۲۹۳۳: ۹۱۷). در نظام حقوقی فرانسه برای بزهکاران نوجوان روش جدیدی از توانبخشی باز تحت عنوان خانه های نیمه آزادی پیش بینی شده است که مطابق آن نوجوانانی که قابلیت نگهداری نزد خانواده هایشان را دارند، در صورت ناکارآمدی آن به تشخیص قاضی در خانه هایی با ظرفیت حداکثر بیست نفر اسکان داده می شوند به نحوی که همانند سایرین می توانند برای آموزش، کارآموزی و کار به بیرون بروند. تا حد ممکن باید فضای خانوادگی حکم ۲۱ فرما باشد و مربیان بسان والدین در یک خانواده متعارف برخورد نمایند و هدایت و ارشاد ایشان را عهده دار هستند. تعداد چنین خانه هایی در فرانسه بسیار کم بوده، از این رو در موارد ضرورت چنین افرادی به مدارس شبانه روزی و توانبخشی دولتی یا خصوصی فرستاد. (اکرمی، سیف الله پور، ۲۹۳۹، ۱۹)

#### نتیجه گیری

اصل فردی کردن مجازات که عبارتست از اعمال مجازات با بررسی سوابق مجرم، اوضاع و حالات او و... با شرایط و محدودیت هایی در مجازات های تعزیری و باز دارنده که مورد پذیرش نظام حقوقی اسلام قرار گرفته است. اصل فردی کردن مجازاتها یک استثنا یا رد کلی اصل تساوی مجازات هاست به این دلیل که تبعیض در مجازات مجرمین از نظر تفاوت های فردی و لزوم برخورد متناسب با مجرمین که اصل فردی کردن مجازاتها را بر این اساس استوار کرده، اساساً با اصل تساوی مجازاتها مغایرت خواهد داشت. در بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در اصل فردی کردن موارد اشتراک و افتراقی وجود دارد، که در خصوص وجوه اشتراک قانون ایران با قانون فرانسه می توان گفت:

- قانون گذار هم در قانون جزای فرانسه و هم در قانون مجازات اسلامی ایران برای قضات اختیاراتی تعیین کرده اند و دست قاضی را برای صدور حکم باز گذاشته است تا بتوانند با توجه به روحیات شخصیت متهم حکم صادر کند. یکی از این اختیارات معافیت از کیفر است که در هر دو نظام حقوقی نام برده اختیاری می باشد. قضات دادگاه مختارند که متهم را محکوم به مجازات کنند و یا اینکه آنها را از مجازات معاف کنند.
- برای صدور معافیت از کیفر در این دو نظام حقوقی شرایطی لازم می باشد که در بعضی از این شرایط با هم وجه اشتراک دارند از جمله می توان جبران خسارات ناشی از جرم را نام برد که هم در قانون جزای فرانسه و هم در قانون جزای ایران به آن اشاره شده است.

- از دیگر شرایط بازپروری بزهکار و یا همان اصلاح مجرم می باشد همان طور که گفته شد هدف ما از مجازات اصلاح مجرم میباشد در صورتی که مجرم اصلاح شده یعنی دوباره آماده برای زندگی در اجتماع باشد مجازات دیگر اثر نخواهد داشت.
  - در هر دو نظام دقیقاً به این نکته اشاره شده که در صورتی می توان حکم به معافیت داد که قاضی دادگاه مجرمیت فرد را احراز نماید. صدر حکم معافیت برای مجرمیت می باشد در صورتی مجرمیت فرد احراز نشود طبق معمول تبرئه می شود که معافیت و تبرئه دو موضوع جداگانهست و تفاوت بسیار دارند.
- اما وجوه افتراق دو کشور در موارد زیر می باشد:
- قانون گذار در قانون جزای فرانسه جرایمی را که در دایره شمول معافیت از کیفر (۲۹۱-۷۹ و ۲۹۱-۷۳) قرار می گیرند را مشخص کرده که از جمله جرایم جنحه ای و خلافی می باشند که مراد از ذکر جرایم جنحه و خلاف، جرایم سبک می باشند. اما در قانون مجازات اسلامی جرایم چهار دسته می باشند که می توان قصاص، حدود، دیات و تعزیرات را نام برد. معافیت از کیفر که در ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی اشاره دارد و شامل جرایم دیگر نمی شود.
  - قانونگذار جرایم تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرد که معافیت فقط جرایم درجه ۱ و ۹ را در بر می گیرد. وجوه افتراقی این تاسیس حقوقی در دو نظام در بخش جرایم و مجازات ها می توان به آن اشاره کرد این است که در قانون فرانسه قلمرو معافیت به نسبت خیلی بیشتر از قانون مجازات اسلامی می باشد.
  - در قانون فرانسه شرایط صدور معافیت از کیفر اصلاح بزهکار، جبران خسارات ناشی از جرم و همچنین توقف ادامه آسیب به نظم عمومی می باشد. در صورتی که در قانون مجازات ایران علاوه بر جبران خسارات و اصلاح مجرم شرایط دیگری از جمله فقدان سابقه کیفری مؤثر، گذشت شاکی و همچنین احراز جهات تخفیف می باشد که در این صورت شرایطی که مجرم باید دارا باشد و یا موانعی بر سر راه صدور معافیت از کیفر وجود دارد در قانون مجازات اسلامی ایران بیشتر است.

مجازات های تکمیلی در فرانسه به صورت متغییر و در هر جرم به صورت خاص و جداگانه تعیین شده است و بیشتر در جرایم امنیت کشور و جرایم تروریستی لحاظ می گردد ولیکن در قانون ایران در این قبیل جرایم به مجازات های تکمیلی اشاره ای نشده و به صورت کلی در جرایم تعزیری تادرجه شش قابل اعمال است که به نظر این مجازات ها در قانون فرانسه، دقیق تر و به عدالت مطلق نزدیک تر است، همچنین در نظام کیفری فرانسه در مقایسه با حقوق کیفری ایران پرونده شخصیت دارای جایگاه رفیعی است. در ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تحقیق درباره شخصیت متهم و وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی وی پیش بینی شده که این تحقیقات در مرحله مقدماتی در امور جنحه ای، اختیاری و در امور جنایی، الزامی است اما در ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً و به عنوان یک رویکرد محوری در مراحل رسیدگی کیفری پیش بینی نشده است. اصل نهاد تعویق صدور حکم (مقرر در ماده ۷۰ ق.م.ا) از قانون جزای فرانسه (ماده ۷۹-۲۹۱ به بعد) اقتباس شده است؛ با این تفاوت که در برخی موارد قانونگذاران فرانسوی (در مواد ۷۹-۲۹۱ و ۹۰-۲۹۱) به جای ذکر دقیق شرایط صدور قرار تعویق، با ارائه ضابطه، تشخیص انطباق آن را با خصوصیات مرتکب و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، برعهده مقام صادرکننده قرار نهاده اند درحالی که قانونگذار ایرانی به منظور جلوگیری از اعمال رویه ها و تصمیمات متفاوت در شرایط مشابه، شرایط اعطای این نهاد را به طور دقیق تری احصاء نموده است.

منابع

۲. آشوری، محمد، (۲۹۹۱)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۱. آقای جنت مکان، حسین، (۲۹۳۱)، حقوق کیفری عمومی، چاپ ۲، تهران: انتشارات مجد.
۹. اکرمی، روح الله، (۲۹۳۷)، تحلیل فقهی حقوقی تعزیرات منصوص، چاپ اول، تهران: گام حق.

۴. امیری، مهدی، رضانی، احمد، گلدوزیان، ایرج، صلاحی، سهراب، (۲۹۳۹)، جایگاه ایفای نقش اجرای مجازات ها در نهادهای مبتنی بر خروج موقت و مشروط زندانیان با مطالعه حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۹۳، بهار .
۷. بابایی، محمد علی و غلامی، میثم، (۲۹۳۲)، مهم ترین جلوه های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهشنامه اندیشه های حقوقی، سال اول، شماره ۹.
۹. بقائی نظرلو، فرید، طالونی، سهیل، (۲۹۳۳)، مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان.
۱. توحی، عبدالعلی و کوره پز، حسین محمد، (۲۹۳۱)، درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۷،
۸. خاکساری، داوود، غلامی، حسین، (۲۹۳۹)، عوامل موثر بر صدور مجازات های جایگزین حبس، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره بیست و ششم، بهار .
۹. خلیلی کالی، قاسم، محرابی کالی، افشین، (۲۹۳۹)، بررسی تطبیقی مجازاتهای جایگزین حبس در نظام های حقوقی ایران و فرانسه، مطالعات علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۹.
۲۰. سلیمی، صادق و کنعانی، محمد علی، (۲۹۳۷)، نهاد تعویق صدور حکم کیفری در فقه اسلامی، حقوق ایران و ایالات متحد، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره ۹.
۲۲. سبزه علی، راضیه، اشرفی، محمود، حیدری، مسعود، (۲۹۳۱)، آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره یکصد و چهارم، زمستان.
۲۱. شاملو، باقر، گوزلی، مهدی، (۲۹۳۰)، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۱، پاییز و زمستان .
۲۹. شیخ الاسلامی، عباس، جلالی، الهام، (۲۹۳۷)، نوآوری های قانون مجازات اسلامی ۲۹۳۱ در قلمرو مجازات های تکمیلی، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۷، زمستان .
۲۷. طفرانگار، حسن، (۲۹۹۱)، جایگزین های کیفر حبس در حقوق فرانسه، اصلاح و ترتیب، شماره ۱۱.
۲۷. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، نجفی کشکولی، سمیه، حسینی، بی بی زینب، (۲۹۳۷)، مطالعه تطبیقی اصل لازم الاجرا مجازات در فقه و حقوق کیفری ایران و حقوق فرانسه، پژوهش های فقهی، دوره ۲۲، شماره ۲، بهار
۲۹. عالی پور، حسن و توحیدی نافع، جلال، (۲۹۳۷)، تعویق صدور حکم: تأخیر در اجرای عدلت یا تغییر در اجرای عدالت، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۷ و ۷.
۲۱. فروغی، فضل الله، مقدسی، محمدباقر، غنی، کیوان، (۲۹۳۹)، بررسی تطبیقی صدور حکم در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، پاییز و زمستان .
۱۸. کاکوجوبیاری، علی، (۲۹۳۹)، معافیت از کیفر در قانون مجازات ایران و فرانسه، کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی .
۲۳. گلدوست جویباری، رجب و مرادیان، مجتبی، (۲۹۳۷)، تعویق صدور حکم در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۹، شماره ۱.
۱۰. نیازپور، امیرحسین (۲۹۳۱)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ ۱، تهران: میزان.

منابع لاتین

۲۱. Alaa Mohamed Ismail Abdrabo, Individualization of Punishment in French Law, International Journal of Science and Research (IJSR), 2118.

۲۲. J. Larregue, « De l'individualisation de la peine à la "décarcéralisation" », Gaz. Pal., 6 Déc. 2114.